



۲۰۱۶/۰۴/۲۶



ولی احمد نوری

لیست پنجهزار مقتول نظام خلق و پرچم

نظری به یکی از لیست های کشته شدگان و قربانیان افغانستان
در نظام کمونیستی خلق و پرچم و پیشنهادی به آقای اشرف غنی حکمران کابل

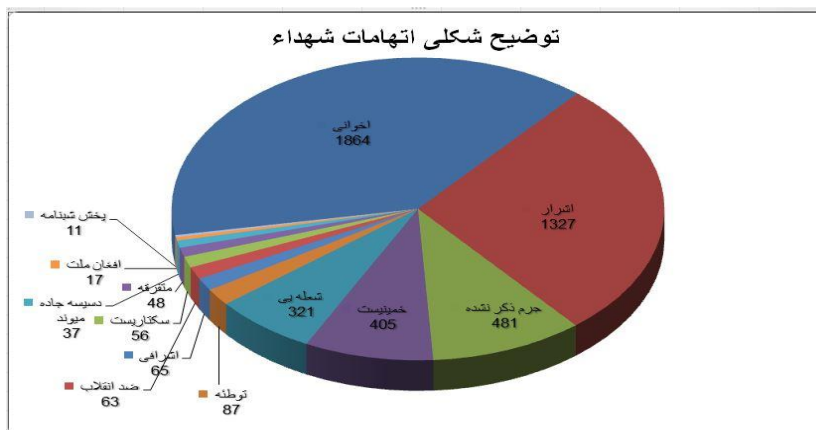
در باره جنایت ها و خیانت ها و کشت و کشتار نظام های چهارگانه کمونیستی در افغانستان یعنی تره کی، امین، ببرک و نجیب و نظام تنظیمی های خدمتگار ایران و پاکستان گفتنی زیاد است و نوشتن همه آن در یک مرتبه گنجایش ندارد.



فوتو ها با تشکر از سایت «برترین ها» از اینترنت گرفته است

فعلاً صرف به چند نکته در مورد همین لیست پنجهزار کشته ای که دو سال قبل در وبسایت افغان جرمن با توضیحات روشن و علمی انتشار یافته است، توجه خود را مبذول میداریم و در ختم پیشنهادی به نظام موجوده مخصوصاً به شخص شاغلی اشرف غنی پیشکش می کنیم.

- ۱- جنایات کمونیست ها به این لیست پنجهزار نفری وقت امین خلاصه نمی شود، چه در ختم سال اول نظام منفور کمونیستی تحت سرمداری نور محمد تره کی به تعداد ۱۲ هزار نفر افغان فقط به گناه کمونیست نبودن زیر نام های مختلف (شعله پی - اخوانی - خمینیست - ضد انقلاب - توطئه گر - اشراف - طرفداران ظاهرشاه و سردار داوود و بالاخره به نام اشرار) کشته اند که لیست های آنرا حفظ الله امین در دیوار های وزارت داخله آویزان کرده بود و همه افغان ها مکلفیت ایمانی، وجدانی و ملی دارند در راه بدست آوردن این لیست ها هم تلاش خستگی ناپذیر نمایند.
- ۲- تعداد قربانیان به این ۱۷ هزار تن هم خلاصه نمی شود (۵ + ۱۲) زیرا در زمان ببرک کارمل و نجیب الله



از این هم بیشتر مردم مظلوم افغانستان را از زندگی محروم ساخته اند و هزاران هزار دیگر در زندان های مخوف آنها پوسیده اند. از همه این جنایات آنها باید حساب گرفته شود و مسؤولین و مرتکبین آن به میز محاکمه کشانیده شوند و جزای لازم و در خور جنایات ایشان به آنها داده شود.

۳- باساس لیست مستند و معتبری که بیرون داده شده، دیده میشود که در زمان حاکمیت امین :

- ۱۸۶۴ یک هزار و هشت صد و شصت و چهار انسان افغانستان را به نام (اخوایی) کشته اند،
 - ۱۳۲۷ یکهزار و سه صد و بیست افغان را در سراسر افغانستان به نام (اشرار) کشته اند،
 - ۴۸۲ چهار صد هشتاد و دو افغان را (بدون اثبات جرم و ذکر آن) کشته اند،
 - ۴۰۵ چهار و پنج افغان را به نام (خمینست) یا طرفداران خمینی کشته اند،
 - ۳۲۱ سه صد و بیست و یک افغان را به نام (شمه بی) کشته اند،
 - ۲۸۱ افغان بیگناه را در سراسر کشور به نام های مختلف و بی معنی دیگر کشته اند،
 - ۱۳۵ یکصد و سی و پنج افغان را به نام های (توطئه و دسیسه و پخش شبنامه) کشته اند،
 - ۸۲ هشتاد و دو افغان را به نام (اشراف و افغان ملت) کشته اند،
 - ۶۳ شصت و سه افغان را به نام (ضد انقلاب) کشته اند،
 - ۵۶ پنجاه و شش افغان را به نام (سکتاریست) کشته اند که نمیدانم مراد شان از سکتاریست چه بوده است؟،
- این است شرح جرایم این پنجزار افغان بیگناه که از زندگی و آغوش فامیل و خانواده شان محروم شده اند و خون های پاک شان برای هیچ ریختانده شده است.

در اینجا سؤالی مطرح می شود که آیا برای شناسایی اخوایی بودن چه معیار های دقیق و عوامل معقولی را در دست داشته اند؟ یقین دارم هر افغان مظلومی که در کنج سرکی یا پارکی شالش را هموار کرده و به نماز خواندن شروع کرده است به نام اخوایی گرفتار شده و سربه نیست گردیده است. یا کسانی را که برای شفای مریض شان یا رهایی وطن شان دستان خود را به طرف آسمان بلند کرده و دعا نموده اند به نام اخوایی گرفتار کرده اند و بدون پرسان و جویان و محاکمه اعدام نموده اند.

۴- در این لیست بیشتر از هزار هموطن ما را که همه دکاندار، نجار، گلکار، مزدورکار، کتاب فروش، دُغال فروش، چوب فروش، میوه فروش، کلچه فروش، لیلای فروش، قصاب، نانوا، سقاب، بایسکل ساز، رادیو ساز، ساعت ساز، سماوارچی، کهنه فروش، تکه فروش، دست فروش یعنی «لوانی»، درپور و کلینر و راننده تکسی، پیاده دفتر، کارمند دواخانه، نرس شفاخانه، خیاط، شاگرد خیاط، میخاتیک، مستری، شاگرد مستری، تحویلدار، خانه سامان، آهنگر، وکیل گذر، خشکه شوی، هوتلدار، چوپان، سرایدار، تیکه دار، تعویضگر، زمیندار، ملا امام، تشکیل داده است، در زمره کشته شدگان معرفی شده اند، مخصوصاً دهقان و کارگر و زارع و بیکار و غریبکار که برای دفاع از حقوق شان به اصطلاح انقلاب کرده بودند، به گناه کمونیست نبودن اعدام شده اند. (تعجب است که چگونه نداف از پیش شان خطا خورده است) به یقین گفته می توانیم که این طبقات زحمتکش و کارگر که برای زنده ماندن خود و زن و اولاد خود با مشقات زندگی دست و پاچه نرم میکردند اصلاً با سیاست و کثافت کاری اداری سر و کاری نداشته اند. پس فقط به گناه کمونیست نبودن کشته شده اند. که نه تنها رهبران این نظام دنی و فروخته شده جوابگو هستند بلکه مسؤولین اول که برای آنها و در نظام آنها کار کرده و در پوست های مهم (اعضای کمیته مرکزی و اعضای شورای انقلاب) جهت انجام اعمال مجرمانه آن رژیم زمینه را رسماً فراهم نموده اند مسؤول و جوابگو اند.

آدمیم بر پیشنهاد به نظام کنونی یا باصطلاح نظام دیموکراسی فعلی و رئیس جمهور آن محمد اضرف غنی. اینکه روز ۳۰ سپتمبر را روز عزای ملی و روز دعا خوانی و یاد و بود از این شهدای عزیز وطن اعلان کردند و بیرق های سه رنگ افغانستان را در سراسر کشور به احترام این مقتولین پاک و معصوم وطن نیمه افراشته ساختند برای «نمایش» کار بدی نبود ولی کار اساسی و به درد بخور محسوب نمی شود. این شهدای بیگناه و پاک کشور به نسبت ظلم و ستمی که خود شان و خانواده های شان از اثر قتل آنها متقبل شده اند، به این دعا های ما گنهکاران احتیاجی ندارند و نه اعمار مسجدی و بنایی بنام آنها درد جانکاه مادرانی را که پسران جوان شان را از دست داده اند و زنانی که شوهران شانرا از آنها گرفته اند و کودکانی که پدران خود را از دست داده و یتیم و بی سرپناه شده اند، دوا نمی کند. مهمترین کاری که این نظام (اگر واقعاً یک نظام دیموکراتیک و عادل است) و رئیس جمهور آن، می تواند انجام دهد اعدام چند نفر جنایتکار و قاتل این فرزندان در همین روز با مراسم خاص بود که از یکطرف سبب تسکین خاطر این پدران و مادران و کودکان داغدار می شد و از جانب دیگر درسی برای آیندگان. در حالیکه این جانان و قاتلان امروز در اروپا و امریکا و در خود افغانستان گشت و گزار می کنند و به ریش مردم می خندند و بیشرمانه در تلویزیون ها ظاهر می شوند و با دیده درایی مصاحبه ها می کنند، حتی خود را برای وکالت مردم و رهبریت آن و وزارت و سفارت کاندید می کنند.

جناب اشرف غنی! پیش از اینکه دوره کار شما تمام شود و در برابر قضاوت تاریخ و مردم قرار بگیرید، چیزی را که در بیشتر از دو دهه "جامد کرزی" نکرد لطفاً و عاجلاً به آن اقدام نمایند تا سر تان پیش مردم و تاریخ بلند باشد نه سرافکنده.

■ ایجاد یک محکمه تخصصی مربوط به رسیدگی قضایای «جنایات علیه بشریت، ژینوسید (کشتار جمعی)، جنایات جنگی و انواع جرایم عمومی از این قبیل»^۱،



فوتو ها با تشکر از سایت «برترین ها» از انترنت گرفته است

- ایجاد یک مرجع جمع آوری اسناد و مدارک اثباتی تا بتواند اسناد این جنایات را آماده سازد،^۲
- محکمه تخصصی قضایای جنایات علیه بشریت و نهاد جمع آوری اسناد و مدارک را مکلف سازید تا در دومین سال سوگواری شهدای شامل این لیست ها و خارج آنرا به اطلاع مردم افغانستان برسانند.

یک خواهش و یک تشکر:

- از دوست دانشمند و گرانقدرم جناب فرید جان هیرمند حقوقدان برجسته افغان، مشاور حقوقی وبسایت (آریانا افغانستان آنلاین) محترمانه آرزو می کنم مقاله مفصل علمی و تحقیقی ای پیرامون ایجاد این نوع نهاد ها و محاکم نوشته و به مطالعه خوانندگان و دولت افغانستان برسانند.
- از همه خوانندگان (آریانا افغانستان آنلاین) خواهش میکنم داستان کوتاه «در انتظار پدر» را که به قلم توانای جناب حنیف رهیاب رحیمی همکار گرامی این وبسایت نوشته شده و قصه دلخراش یکی از همین شهداء و مقتولین است، به کمک لینک آتی بخوانند.
http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Rahyab_H/h_rahayab_dar_entezaar_padar.pdf
- در اخیر از شاغلی قیس کبیر همکار قبلی اینجانب و مدیر مسؤول وبسایت افغان جرمن که بنده بیش از پانزده سال با آن رسانه در خدمت مردم خود بودم، به نسبت آماده ساختن دایگرام های توضیح شکلی این فاجعه بصورت سیانتهیفیک تشکر میکنم.

پایان بی پایان

۱- اگر اشتباه نکنم در قانون اساسی افغانستان در بخش قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم دولت، رئیس جمهور صلاحیت دارد، تا تأسیس محاکم مورد ضرورت را برای ستره محکمه منظور نماید.

۲- این مرجع می تواند با کمک ریاست امنیت ملی یا استخبارات وزارت داخله و همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر و نهاد های جامعه مدنی بخصوص انجمن فامیل های شهداء و مفقودین مؤفقا نه داخل فعالیت گردد.